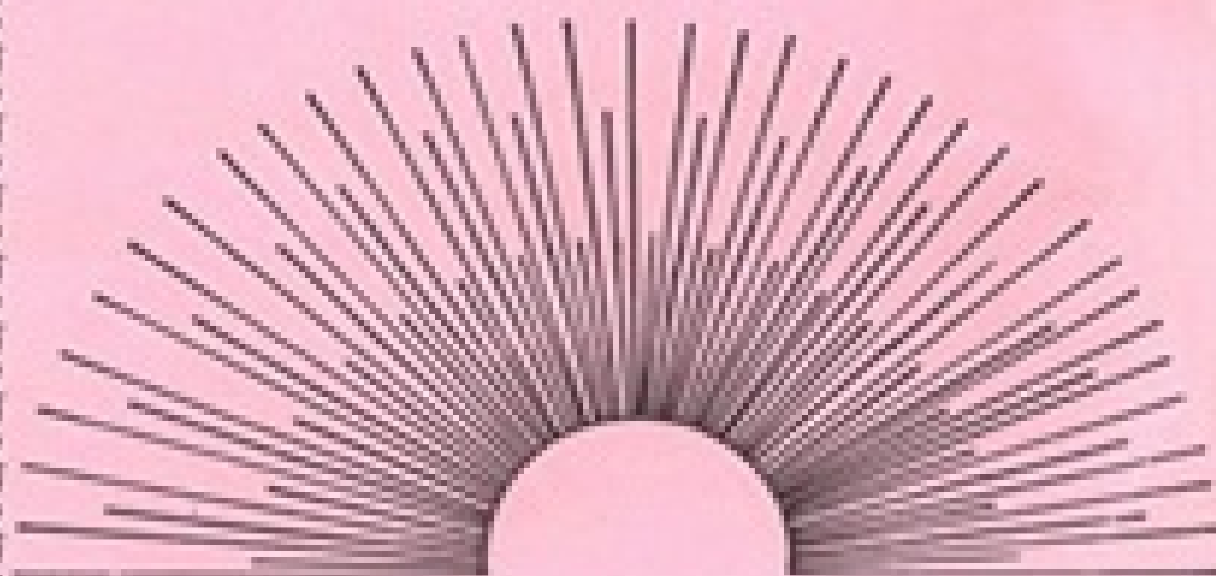


صفات شیعه

تألیف

شیخ صدوق

بسم الله الرحمن الرحیم

صفات الشیعه

نویسنده:

محمد بن علی بن بابویه شیخ صدوق

ناشر چاپی:

موسسه امام صادق (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

صفات الشیعه

مشخصات کتاب

سرشناسه : ابن بابویه، محمد بن علی ، ۳۱۱- ۳۸۱ق.

عنوان و نام پدیدآور : صفات الشیعه/ تالیف ابی جعفرمحمدبن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی مشهور به صدوق.

مشخصات نشر : قم: موسسه امام صادق ، ۱۳.

مشخصات ظاهری : ۵۱ ص.

وضعیت فهرست نویسی : برون سپاری.

یادداشت : چاپ دیگر: اعلمی، ۱۳.

یادداشت : عنوان روی جلد: صفات شیعه.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیر نویس.

عنوان روی جلد : صفات شیعه.

موضوع : احادیث شیعه -- قرن ۴ق.

موضوع : احادیث اخلاقی -- قرن ۴ ق.

رده بندی کنگره : BP۱۲۹الف /الف۲ص۷ ۱۳۰۰ی

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۱۲

شماره کتابشناسی ملی : ۲۴۵۳۸۹۳

مقدمه

بنام خداوند بخشاینده مهربان سپاس مر خدای جهانیانراست و درود بی پایان بر محمّد و فرزندان پاک و پاک نژادش باد گردآورنده این کتاب ابو جعفر محمد پسر علی پسر حسین پسر موسی پسر بابویه که رحمت خدا بر او باد چنین گوید:

حدیث ۱-

ابی بصیر گوید امام صادق علیه السّلام فرمود پیروان ما پرهیزگار و در پرستش پروردگار کوشا و با وفا و امانت دار و کناره

گیر از دنیایند پنجاه و یک رکعت نماز در روز و شب بجای می آورند شبها را بیدار و روزها را روزه دارند زکاه دارائی خود را می دهند و حج خانه خدا می کنند و از هر ناشناسی دوری مینمایند.

حدیث ۲-

حسین پسر خالد گوید امام رضا علیه السّلام می فرمود پیروان ما بفرمان ما گردن نهاده اند دستورات ما را گرفته و بکار می بندند و با دشمنانمان مخالفند و کسی که بر این روش نباشد از ما نیست.

حدیث ۳-

ابان پسر عثمان گوید امام صادق علیه السّلام می فرمود کسی که تقیه نمی کند بر آئین جعفری نیست و هر که پرهیزگاری ندارد بخدا باور ندارد.

حدیث ۴-

مفضل پسر عمر گوید امام صادق علیه السّلام می فرمود، دروغ می گوید آنکه گمان دارد از پیروان ما است و بجز ما تمسک می جوید.

حدیث ۵-

پور ابی نجران گوید شنیدم که ابو الحسن علیه السّلام می فرمود آنکه با پیروان ما ستیزه کند با ما ستیزه کرده و هر که با آنان مهر ورزد با ما مهر ورزیده چون آنان از خمیره ما آفریده شده اند کسی که آنها را دوست داشته باشد از ما است

و کسی که دشمن ایشان باشد از ما نیست پیروان ما بروشنائی ما می نگرند و در رحمت ما می گروند و با بخشش ما رستگارند اگر یکی از پیروانمان رنجور شود ما هم بناخوشی او رنجور می شویم و چون اندوهناک گردد ما هم اندوهناک می گردیم و بسرور او ما هم مسرور می شویم در خاور و باختر جهان هیچ یک از آنان از دیدگان ما پنهان نیستند، اگر یکی از آنان وامی از خود بجای گذارد دادن آن وام بر ما است و چون دارائی از او بماند از تبار او است، پیروان ما نمازگزارانند و حج خانه خدا کنند و زکاه دارائی خویش را بدر کنند، روزه های ماه رمضان را می گیرند و خاندان پیغمبر خویش را مهر ورزند و از دشمنانشان بیزاری جویند اینان پرهیزگار و بآئین خود باور دارند هر که آنها را براند خدا را رانده (از خدا دور شده) و کسی که بر ایشان ایراد گیرد بر خدا ایراد گرفته چون این گروه بندگان و دوستداران درست پروردگارند و بخدا سوگند یکی از آنان یارای آن دارد که باندازه نفرات دو ایل ربیعه و مضر (که

بزیادی نفرات در عرب مشهورند) در نزد خدا میانجیگری کند و خداوند هم این میانجیگری را می پذیرد برای ارزشی که در پیشگاه پروردگار جهانیان دارند.

صفات الشیعه / ترجمه (اعلمی)، ص: ۵

حدیث ۶-

محمد پسر عمران گوید امام صادق علیه السّلام می فرمود کسی که بدرستی و از بن دندان لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ گوید به بهشت داخل می گردد و هنگامی لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ را درست و از ته دل گفته که با گفتن او دیگر گرد حرام نگردد.

حدیث ۷-

زید پسر ارقم گوید پیغمبر خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود هر که براستی لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ بگوید بهشت برای او است و میزان درستی گفتن لا اله إلا اللَّه اش بآنست که از ناشایست ها دوری کند.

حدیث ۸-

ابی عبیده حذاء گوید شنیدم ابو عبد اللَّه علیه السّلام می فرمود هنگامی که پیغمبر خدا مکه را گشود بر کوه صفا ایستاد و سپس چنین گفت ای پسران هاشم و عبد المطلب من فرستاده پروردگار شما بسوی شمایم و دلسوز شمایم نگوئید محمد از ما است نه شما و نه دیگران دوست من نیست مگر اینکه از پرهیزگاران

صفات الشیعه / ترجمه (اعلمی)، ص: ۶

باشید چگونه در روز جزا بشما آشنا باشم هنگامی که دنیا را بر گردنهای خود سوار کرده و مردم دیگری می آیند و آخرت را با خود می آورند، آگاه باشید که من پیامبری خود را بسزا بجا آوردم و اندرزهای شایسته بشما دادم و راهنمائی خود را نمودم کارهای گذشته من از آن من و رفتار گذشته شما برای شما است (واکنش کارهای این سرا در آن دنیا خواهد بود و هر کس در گرو رفتار خود می باشد).

حدیث ۹-

محمد پسر قیس گوید امام باقر علیه السّلام بنقل از پدرانش فرمود که امیر المؤمنین علیه السّلام می فرمود میوه همنشینی کردن با بدان گمان بد بردن بخوبان است و همنشینی با نیکان بدان را نیک می سازد چنان که همنشینی با بدکاران خوبان را بد می کند و هر زمانی که نتوانستند دین کسی را بشناسید بهمنشینانش نگاه کنید اگر از مردان خدا هستند او هم بر آئین خدا است و چنانچه دوستانش بر راه خدا نیستند او هم بهره ای از آئین یزدان پرستی ندارد پیغمبر خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم می فرمود هر که بخدا و روز رستاخیز باور دارد با هیچ کافری دوستی نمی کند و با بدکاران نشست

صفات الشیعه / ترجمه (اعلمی)، ص: ۷

برخاست نمی نماید و اگر با آنان همنشینی کرد خود نیز کافر و بدکاره است.

حدیث ۱۰–

پسر فضال گوید شنیدم حضرت رضا علیه السّلام می فرمود هر که بدور شده از ما نزدیک شود و یا از وابستگان ما دوری کند یا کسی را که بما عیب می بندد ستایش نماید یا بدشمن ما بخشش کند از ما نیست و ما هم از او نیستیم.

حدیث ۱۱–

پسر فضال گوید امام رضا علیه السّلام می فرمود: هر که دشمنان خدا را دوست بدارد دوستان خدا را دشمن داشته و کسی که دوستان خدا را دشمن بدارد خدا را دشمن داشته و بر پروردگار جهانیان است که ویرا بدوزخ ببرد.

حدیث ۱۲–

احمد پسر عبد اللّٰه گوید امام صادق علیه السّلام می فرمود: پیروان علی علیه السّلام شکم و فرج خود را از حرام نگه می دارند و عفیفند کار را تنها برای خرسندی آفریننده خود می کنند و بمزد او چشم دارند و از کیفر و شکنجه او هراساکند.

صفات الشیعه / ترجمه (اعلمی)، ص: ۸

حدیث ۱۳–

محمد پسر عجلان گوید نزد امام صادق علیه السّلام بودیم که مردی داخل شد و سلام کرد از او پرسش فرمودند برادران دینی تو چگونه اند از آنان ستایش فراوانی نمود باو فرمود احوال پرسی توانگران آنها با مستمندانشان چگونه است عرض کرد کم است فرمود رسیدگی مالدارانشان بدرویشان بر چه پایه است گفت کردار و رفتارهائی را یاد آور میشوید که پیش ما نیست فرمود پس چگونه اینان گمان میکنند که از پیروان مایند.

حدیث ۱۴–

حسن پسر خراز گوید از امام رضا علیه السّلام شنیدم که می فرمود: کسی هست که دوستی ما خاندان پیغمبر را دستاویز قرار داده و خرابکاری او بر پیروان ما از زیان دجال بیشتر است عرض کردم ای پسر پیغمبر چرا؟ فرمود برای مهرورزیدن او با دشمنان ما و ستیزه او با دوستان ما و چون چنین نمود حق بباطل آمیخته می شود و امر مشتبه می گردد و مؤمن از دور و شناخته نمیشود.

صفات الشیعه / ترجمه (اعلمی)، ص: ۹

حدیث ۱۵–

علاء پسر فضیل گوید امام صادق علیه السّلام فرمود کسی که کافری را دوست داشته باشد خدا را دشمن داشته و کسی که

کافری را دشمن بدارد خدا را دوست داشته سپس فرمود دوست دشمن خدا دشمن خدا است.

حدیث ۱۶-

امام صادق علیه السّلام فرمود کسی که با اهل شک به نشیند خود شکاکست.

حدیث ۱۷-

معلی پسر خنیس گوید شنیدم امام صادق علیه السّلام می فرمود: کسی که بما ناصبی باشد او را ناصبی نگویند برای آنکه فردی را نمی یابی که بگوید من محمد و دودمانش را دشمن دارم ولی ناصبی کسی است که نسبت بشما ناصبی است در حالی که می داند شما ما را دوست دارید و از دشمنانمان بیزاری می جوئید سپس فرمود کسی که دشمنی از ما را اسیر کند دوستی از دوستان ما را کشته است.

حدیث ۱۸-

احمد پسر محمد گوید امام صادق علیه السّلام فرمود: پیروان علی علیه السّلام

کسانی هستند که از زیادی روزه داری و گرسنگی کشیدن باریک میان و خشکیده لب هستند، مهربان و دانشمند و دارای گذشتند. بترک زیادی دنیا شناخته می شوند، پس در کارهای خود پرهیزکاری و کوشش در مجاهده با نفس را پیش گیرید.

حدیث ۱۹-

پسر ابی المقدام بگفته از پدرش گوید امام باقر علیه السّلام فرمود ای پسر ابی المقدام پیروان علی علیه السّلام از زیادی بندگی و بیداری شبها و قیام در آن و روزه داری روزها لاغر و رنجدیده و لب چروکیده هستند لب خشکند از زیادی یاد خدا کردن و لاغر میانند از بسیاری روزه گرفتن رنگهایشان زرد و چهره آنان درهم کشیده و دگرگون شده چون شب فرا رسد زمین را فرش خود سازند و پیشانی خویش را در پیشگاه خدا بخاک می سایند دیدگان آنان گریان اشگهایشان ریزان و نماز و دعای ایشان فراوانست کتاب خدا را میخوانند و در حالی که مردم در سرورند آنها اندوهگین اند.

حدیث ۲۰-

سندی پسر محمد گوید گروهی بدنبال امیر المؤمنین علیه السّلام میرفتند.

آنها را دید و فرمود شما کیستید گفتند یا امیر المؤمنین پیروان شمائیم فرمود چرا نشانی پیروان خود را بر شما نمی بینم عرض کردند نشانی پیروان شما چیست؟

فرمود: از شب زنـده داری زرد چهره و از زیـادی روزه داری لاـغر میـان انـد و از بسـیاری ذکر خـدا گفتن لبهایشـان خشک و چروکیده و بر آنان گرد بیم و ترس خدا نشسته است.

حدیث ۲۱-

مفضل گوید امام صادق علیه السّـلام می فرمود: پیروان جعفر علیه السّـلام کسانی هسـتند که شـکم و فرج خود را از حرام نگه میدارنـد و کوشـش آنهـا در راه بنـدگی خـدایشان زیاد است و امیـد بمزد پروردگار و ترس از شـکنجه او را دارنـد اگر چنین مردمی را دیدید اینان پیروان جعفر بن محمّداند.

حدیث ۲۲-

جابر جعفی گویـد گویـد امام باقر علیه السّـلام می فرمود: یا جابر آیا کسـی تنها باینکه بگویـد خاندان پیغمبر را دوست دارم دلخوش بوده و خود را از پیروان ما می پندارند بخدا سوگند پیروان ما کسانید که از خدا بترسند و فرمانبری او را پیشه

صفات الشیعه / ترجمه (اعلمی)، ص: ۱۲

خود قرار دهنـد و آنها به فروتنی و ترس از خداوند و امانت داری و زیادی یاد خدا کردن و روزه و نماز بجای آوردن و نیکی به پدر و مادر کردن و رسـیدگی بهمسایگان درویش و وام داران و یتیمان نمودن و راسـتگوئی و کتاب خدا خواندن و زبان از عیوب مردم باز داشـتن شناخته می شوند و اینان امینان ملت خود هستند جابر عرض کرد ای پسر پیغمبر ما کسی را باین رفتار و کردار نمی شناسـیم فرمود یا جابر از راه بدر مرو و کج فهمی مکن آیا برای مرد همین بس است که بگوید علی علیه السّلام را دوست دارم و نزدیکی به او را می جویم اگر او بگویـد پیغمبر خـدا را که از علی علیه السّـلام والامقـام تر است دوست دارم و روش زندگانی او را سـرمشق خود قرار ندهد و کارهای او را پیروی ننماید این دوستی هیچ بهره برای او نخواهد داشت از خدا بپرهیزید و آنچه را که خدا فرمان داده

بکـار بندیـد بین خداونـد و آفریـدگانش خویشـی نیست دوسـتدارترین و پرارج ترین مردم بنزد پروردگـار پرهیزکارترین آنها است همان کسـی که از کارهای پیشوایان دین پیروی می نماید، یا جابر بنده بخداوند جز بفرمانبری از او نزدیک نخواهد شد، تنها بگفتن اینکه با مائید از آتش رهائی نخواهید یافت و بر خداوند حجتی ندارید هر که فرمانبر خدا باشد او دوست ما

صفات الشیعه / ترجمه (اعلمی)، ص: ۱۳

و با ما است و کسی که فرمان خدا را نبرد دشمن ما است و دوستی ما جز با کار درست و پرهیزکاری بدست نمی آید.

حدیث ۲۳-

امام باقر علیه السّلام فرمود پیروان علی علیه السّلام کسانی هسـتند که در دوستی ما سـر از پا نمی شناسند و برای ما با هم مهر می ورزنـد برای زنده کردن امر ما یک دیگر را دیدار میکنند اگر خشـمگین شوند زیاده روی نمیکنند و چون خرسـند گردند تند نمیروند برای همسایگان خود برکتند و با همنشینان و هم آمیزش کنندگان خود مهربان و رفتار دوستانه دارند.

حدیث ۲۴-

عمرو پسـر ابی المقدام بگفته از پدرش گفت که امام باقر علیه السّلام می فرمود پیروان علی علیه السّلام لاغر و رنجدیده و لب خشکیده اند شکم آنها لاغر و لبهایشان چروکیده و رنگهایشان گشته است.

حدیث ۲۵-

عمرو پسر ابی المقدام بگفته از پدرش گوید که امام باقر علیه السّلام فرمود

صفات الشیعه / ترجمه (اعلمی)، ص: ۱۴

یا جابر پیرو علی علیه السّلام کسـی است که صـدایش از گوشـش نمی گذرد (فریاد نمیزند) و دشـمنی او تا بتواند از دسـتش بـدیگری نخواهـد رسـید (تا بتوانـد دشـمنی با دیگری را در خود خفه میکند) کسانی را که در باره ما کوتاه آمده اند سـتایش نمیکننـد و با کسانی که با ما دشـمنند رفت و آمـدی ندارنـد و با هر که بما عیب بندد نمی نشـینند پیرو علی علیه السّلام مانند سگ روزه نمیکشد و مانند کلاغ آزمند نیست از مردم درخواست و پرسـش نمیکند اگر چه از گرسنگی بمیرد، زندگانی آنان درویشـانه و خانه بدوشـند اگر در جایی باشـند مردم آنها را نمی شناسـند و اگر پنهان باشـند کسـی آنها را نمی جویـد و چون بیمار شوند احوال آنها را نمی پرسند و اگر بمیرند کمتر کسی با خبر می شود و در گورها یک دیگر را دیدار کنند (روانشان) عرض کردم اینها را از کجا پیـدا کنیم فرمود در اطراف زمین و بین بازارها آواره انـد و این فرمایش خداوند بزرگ است آنجا که می گوید أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكافِرِينَ «۱»

حدیث ۲۶-

مفضل پسـر قیس گوید امام صادق علیه السّلام فرمود پیروان ما در کوفه چند نفرند عرض شد پنجاه هزار و مرتب می پرسید تا

اینکه فرمود آیا امید داری

---

(۱) برابر مؤمنان فروتن و بر کافران گردن فرازند- سوره مائده آیه ۵۴.

که بیست نفر باشند سپس فرمود بخدا سوگند دوست دارم در کوفه بیست و پنج نفر مرد باشند که امامت ما را بشناسند و

بر ما جز گفتار درست نگویند.

حدیث ۲۷-

محمّد پسر علی ماجیلویه گوید امام صادق علیه السّلام فرمود روزی ابو جعفر منصور دوانیقی (خلیفه دوم عباسی) در حیره زمان ابی العباس سفاح برادرش بمن گفت یا ابا عبد اللّه چگونه است که پیرو شما در هر مجلسی که باشد پنهان خود را آشکار میکند و مذهبش شناخته می شود فرمود این برای شیرینی ایمانیست که در سینه های آنانست و آن شیرینی پنهان آنها هویدا می شود.

حدیث ۲۸-

پسر ابی عمیر گوید امام باقر (یا صادق علیه السّلام) فرمود از شما کسی است که نمازش از دیگری بیشتر است و گروهی از شما حج کردنش بیش از دیگران است و مردی صدقه دان و روزه داریش بیش از سایر مردم است ولی هر که از شما داناتر است والامقام تر است.

حدیث ۲۹-

مفضل پسر زیاد عبدی گوید امام صادق علیه السّلام می فرمود ما از خانواده

صفات الشیعه / ترجمه (اعلمی)، ص: ۱۶

صدق و صفائیم کوشش شما برای یاد گرفتن معالم دینتان است و هم دشمنانتان بنابودی شما است و دلهای آنها از کینه شما آغشته است آنچه را که از شما می شنوند پس و پیش و کم و زیاد میکنند و برای شما شریکانی قرار می دهند و متهمان می نمایند و همین گناه برای آنها کافیست.

حدیث ۳۰-

محمّد پسر یحیی پسر سدیر گوید امام صادق علیه السّلام می فرمود چون روز رستاخیز فرا رسد آدمیان را بنام مادرانشان میخوانند مگر ما و پیروان ما را چون در نژاد و ریشه ما خللی نیست (مقصود آنکه غیر ما و محبین ما مشکوک النسبند).

حدیث ۳۱-

عبد اللّه پسر خالد کنانی گوید به پیشگاه امام موسی کاظم علیه السّلام رسیدم و ماهی ای به دست من بود فرمود او را بینداز من اکراه دارم که مرد چیز پستی را بدست گیرد و با خود ببرد سپس فرمود ای گروه پیروان علی علیه السّلام دشمنان شما زیادند، شما گروهی هستید که مردم شما را دشمن دارند تا می توانید برایشان زینت کنید و با تجمل و جلال قدم زنید.

صفات الشیعه / ترجمه (اعلمی)، ص: ۱۷

حدیث ۳۲-

مسعده پسر صدقه گوید از امام صادق علیه السّلام از پیروانش پرسیدند فرمود پیروان ما کسانیند که در کارهای نیک پیش قدم اند و از کردن کارهای بد سرباز می زنند نیکوئی را آشکار می کنند و بکار خوب پیشی می گیرند برای علاقه ای که برحمت خداوند جلیل دارند اینان از مایند و با مایند هر جا که ما باشیم.

حدیث ۳۳-

اصبغ پسر نباته گوید روزی امیر المؤمنین علیه السّلام بیرون آمد و ما گرد هم بودیم فرمودند شما کیستند و گرد هم آمدنتان برای چیست عرض کردیم گروهی از پیروان تو هستیم فرمودند پس چرا نشانی پیروان خود را در شما نمی بینم عرض کردیم نشان پیروان تو چیست فرمود آنها از زیادی بیداری و نماز شب رنگشان زرد و چشمهایشان کم سو و اشک ریز از ترس خدایند لبهایشان از زیادی روزه داری و ذکر خدا گفتن خشک شده و بر آنها گرد ترس و فروتنی نشسته است.

حدیث ۳۴-

ابی بصیر گوید بر امام صادق عرض شد پیروان خود را برای ما بستای

فرمود پیروان ما کسانی هستند که صدایشان کوتاه و از گوششان نمی گذرد و کینه آنها از دستهایشان رد نمی گردد (و بدیگری برخورد نمی کند) کار خود را بر دیگران بار نمیکنند و کل مردم نمی شوند بجز از برادران دینی از کسی دیگر پرسش و درخواست نمیکنند اگر چه از گرسنگی بمیرند، پیروان ما مثل سگ پارس نمیکنند و مانند کلاغ آزمند نیستند پیروان ما در زندگانی سبکبال و خانه بدوشند آنها را در دارائیشان برای دیگران حقی معلوم کرده اند و با یک دیگر انس می گیرند و هنگام مرگ ناله و بی تابی نمیکنند در گورهایشان یک دیگر را دیدار میکنند عرض شد فدایت شوم کجا اینها را بجوئیم فرمودند و در اطراف زمین و بین بازار چنان که خداوند فرمود أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكافِرِينَ «۱»

حدیث ۳۵-

امام صادق بگفته از پدرانش فرمود مردی از یاران امیر المؤمنین علیه السّلام بنام همام که بسیار در بندگی پروردگار کوشا بود عرض کرد یا امیر المؤمنین پرهیزگاران را چنان برایم بسته ای که گویا خود آنها را می بینم امیر المؤمنین علیه السّلام

---

(۱) بر مؤمنان فروتن و بر کافران گردن فرازند- سوره مائده آیه ۵۴

در پاسخ تأملی کرد و سپس فرمود یا همام تو خود پرهیزگار و نیکوکار باش که خدای با پارسایان و نیکوکارانست همام عرض کرد یا امیر المؤمنین سوگند به آن کسی که ترا بزرگ داشته و برگزیده و مورد مهر خود قرار داده و ترا بر دیگران برتری داده آنان را برای

ما بستای.

امیر المؤمنین بر پا خاست و سپاس و ستایش پروردگار را بجا آورد و بر پیمبر بزرگ درود فرستاد و سپس گفت خداوند بی همتا آفریدگان را آفرید در حالی که از بندگی آنان بی نیاز بود و نافرمانی آنها باو گزندی نمیرسانید چون نافرمانی گنهکار آسیبی باو نمیرساند و فرمانبری فرمانبران بهره ای برای او ندارد، وسائل زندگانی را بین ایشان پخش نمود و هر کس را در جهان مقامی در خود او بداد آدم و حوّا را از بهشت بسرای دنیا فرود آورد مزد به گناهشان هنگامی که آنان را از خوردن گندم پرهیز داده بود و نپذیرفتند و نافرمانی کردند، پارسایان را بر دیگران برتری داد، سخن براستی گویند، زندگی بصرفه جوئی گذرانند و رفتار آنان با آفریدگان بفروتنی است برای خداوند بندگانی فروتنند از دنیا بریده و خود را برای سرای بازپسین آماده کرده اند چشمهای خود را از آنچه خدا حرام کرده

صفات الشیعه / ترجمه (اعلمی)، ص: ۲۰

می پوشانند گوشهای خود را بشنیدن دانشهای سودمند فرا داشته اند در دشواری و بلد چنان دلشادند که دیگران در خوشی و نعمت بخواسته خدا خرسندند و اگر مرگ مقدر خداوندی پای بند آنان نبود از بیم شکنجه و شوق مزد پروردگار یک چشم بهم زدن جان در کالبدشان نمی ماند خداوند در دل آنان بسیار بزرگست و برای همین جز خدا در پیش آنان کوچک است باورشان به بهشت چنانست که گویا او را دیده و در آن بهره مند و آرمیده اند و باور آنها به دوزخ چنانست که گویا او را دیده و در آن آزار کشیده اند دلهای آنان از جدائی یار حقیقی اندوهگین و مردمان از شرّ ایشان برکنارند

از زیادی کوشش بدنهائی لاغر دارند و مورد نیازشان از این سرای ناپایدار کم است، روانشان بعفت آراسته و رنج آنها در این دنیا زیاد است روزی چند با دشواری شکیبا باشند تا در پی آن آسایشی دراز بدست آورند بازرگانی بس سودمندی دارند که خدایشان راهنمائی کرده و برای آنان میسر فرموده چون دنیا بآنان رو آورد از او سر به پیچانند و در دنیا آنان را دنبال کند و آنها برای نپذیرفتن او را بستوه آوردند اما در شب بر پای ایستاده و متفکرانه کلام خدا را می خوانند و دلهای خود را با آن اندوهگین ساخته و دوای درد خویش را از آن جویند و بکمک

صفات الشیعه / ترجمه (اعلمی)، ص: ۲۱

آن حال بر گناهان خود گریسته و اعضاء آنها خسته و رنجور می گردد چون بآیات تهدید و شکنجه گذرند بدل گوش کنند آنچنان که شکنجه پروردگار را بچشم می بینند و پوستهای آن ها میلرزد و دلهایشان می طپد و گمان میکنند فریاد و خروش دوزخ در بن گوش آنها است و هنگامی که بآیات رحمت الهی رسند دل بر وعده های آن سپرده و در آن طمع کرده و مشتاقانه بسوی آنها نگاه میکنند که گوئی معنی آن آیات در پیش چشمانشان هویدا است ترسان و خمیده قامت خداوند بزرگ را ستایش کنند و در پیشگاه یزدان پاک بر سر زانو و یا خمیده قد و یا بحال سجده دستها و جبین خود را بر خاک میسایند، سر شک بر گونه هایشان جاری است و برای دور بودن از آتش دوزخ و شکنجه اش بخدا پناه برده و کمک می خواهند و اما در روز دانشمندان شکیبا و

بزرگواران پرهیزگارنـد ترس خدا اندامشان را چنان گداخته که به بیماران می مانند در صورتی که بتن بیمار نیسـتند و جانشان رنجور عشق خـدا است دیگران آنهـا را دیوانه می پندارنـد و حـال آنکه کـار بزرگی مبهوتشـان سـاخته و بزرگی خـدا دل و جانشان را مستغرق دریای حیرت نموده هنگامی که در بزرگی خداوند و سترگی سلطنتش فکر میکنند و دشواریهای روز

صفات الشیعه / ترجمه (اعلمی)، ص: ۲۲

رسـتاخیز هم پیش چشـمان آنان رژه میرود دلهای آنان بخروش آمده و کاسه شکیبائیشان لبریز میگردد و خرد از سرشان پرواز میکنـد و چون توفیق بندگی می یابند بکردن. کارهای نیک می شـتابند و به بندگی کردن کم خرسـندی ندهند و کار خود را هم چیزی نه پندارنـد از خود بـدگمان و بر رفتارهای خود هراساننـد اگر مردمان آنها را بکارهای نیک بسـتایند بخود نگرفته و گوینـد من بخود از غیر خود داناترم و خدای من از من بدرون من آگاه تر است، خدایا بگفته دیگران بر من مگیر و مرا بهتر از آنچه گمان می برند بگردان گناهان مرا که بآن پی نبرده اند ببخشای بدرستی که تو دانای نهان و غیوب و پوشـنده عیوبی و از نشانه های آنها اینست که در کار دین نیرومنـد و پشـتکار دارند و با نرمی بسـیار، دور اندیش در کار زندگانیند، در کار ایمان بمرتبه یقین و به پیدا کردن دانش مشـتاق و با وجود زیرکی، نرم و با مردم آسان گیرند در بخشـش دلسوز و در توانگری میانه رو در بنـدگی پروردگار ترسان و در تنگدستی بردبار و در دشواریها شـکیبا و بر رنجبران دلسوز و در راه خدا بخشـنده اند در کسب، ملایم و در جویائی حلال کوشا

و در سفر بسوی خدا سرخوش اند از آز بسیار بدورند هنگام توانائی و بر سر پا بودن نیکوکارند

صفات الشيعه / ترجمه (اعلمی)، ص: ۲۳

و زمان چیرگی شـهوت از حرام چشم می پوشند اگر کسی او را از روی نادانی بستاید فریفته نخواهد شد و کارهای نیک خود را برخ کسـان نمی کشـد در کارهـای نفسـانی و دنیوی آسانگیر است کارهای خوب را پیشه خود ساخته و باز هم هراسانسـت روز را بشب میرسانـد و تمام کوشـش او بجا آوردن سـپاس خـدا است صـبح میکند در حالی که شب را بیاد ایزد بسـر می برد خوابی ترسـان میکنـد و بـآرزوی کردن کارهـای شایسـته مسـرورانه روز را آغـاز میکنـد شب بیمنـاك از غفلت خویش و روز خرسـند بـدریافت فضـل و بخشـش خداونـدی و چشـم براه آنست اگر نفس در بنـدگی و پرسـتش بـا او همراهی نکنـد او هم خواهش های او را بر نیاورد خرسـندی او در زنـدگانی جاویـدان و طولانیست و دل بـدان بسـته و رغبت او در سـرای پایـدار و کنـاره گیری او از سـرای ناپایـدار است دانش و بردباری و خرد را بهم آمیخته و او را می بینی در حالی که تنبلی از او بـدور و نشـاطش همیشـگی آرزوهایش کوتاه و لغزش هایش کم است آماده کوچ بسـفر سـرای جاویـد با دلی هراسان خـدای خود را همیشه میخوانـد و از گناهـان خـویش ترسـان است در این سـرا بچیزی خرد سر فرود آورده و نـادانی او کم است در کارهـای سرای ناپایدار آسان گیر و در امور آن سـرا سـختگیر است شـهوت او مرده و خشم خود را فرو خورده کردار و رفتار او نیک و همسایه از او در امان و

راحت است

گردنکش نبوده و آزادی بدیگری نمیرساند خدا را زیاد یاد میکند و در کار آئین خود استوار است و آنچه را که دوستانش بوی راز گویند با کسی در میان نگذارد و گواهی خود را از دشمنان خویش هم دریغ ننموده و برای خدا ریاکارانه کار نمیکند و شرم و آزرم از او را بدور نمی شود مردن بنیکی و بخشش او چشم داشت دارند و از بدی کردن او آسوده اند اگر با مردم غافل نشیند نامش در گروه هشیاران نوشته می شود و اگر همنشین آگاهان باشد در شمار اهل غفلت نیست کسی که بر او ستم کند می بخشدش و چون او را محروم می نماید بخشش می نماید و کسی که از او ببرد باو می پیوندند، بردباری او از او جدا نمیشود و در کاری که دو دل باشد شتاب نمیکند از چیزهای بدی که مردم برای او اندیشیده اند و بر آنها دانا شده می گذرد نادانی از او بدور و گفتار او نرم است مردم را فریب نمی دهد نیکی او همیشه بمردمان میرسد و در جلوی آنانست راستگو در گفتار و نیکوکار در کردار است کار خوب از او ریزان و کار بد از وی گریزانست، در تنهائی و کشاکش روزگار با وقار و در دشواریها و ناگواریها بردبار است در زمان توانگریش سپاسگزار است بر دشمن خود ستم نکند و در دوستی کوتاهی نماید چیزی را که از او نیست ادعا نمیکند و حقی را که بر او وارد است ردّ و انکار نمی نماید بحقی که دیگران بر او دارند

اقرار میکند بدون آنکه

نیازی بگواه باشد چیزی را که باو سپرده اند و باید نگهدارد تباه نمیسازد کسی را بنام زشت نخواند و بر هیچ کس ستم روا نمی دارد بدیگران رشگ نمی برد و آزارش بهمسایگانش نمیرسد کسی را بگرفتاریهایش شماتت و سرزنش نمیکند برای بجا آوردن نمازهای خود شتاب دارد و اداکننده سپرده ها است که باو سپرده اند بناشایست ها نمی گرود و مردم را بکارهای نیک و دوری از کارهای زشت دستور می دهد با نادانی دست بکاری نمیزند و از راه راست گامی فراتر نمی نهد اگر خموش باشد در خاموشی اندوهگین نیست و اگر گویا شود جز راست نگوید بلند نخندد بآنچه برایش میرسد قانع است در خشم افسار خویش را بنفس سرکش نسپارد و هوی نفس بر او چیره نشود بخل او را بنده خود نسازد و در آنچه مال او نیست چشم ندوزد با مردم همنشینی میکند برای آنکه بدانش خود بیفزاید یا بدیگری بیاموزاند و چون خاموش شود برای آنست که راه آشتی پوید پرسش او برای فهمیدن است نه مشاجره خاموشی او برای ایجاد شگفتی در دیگران نسبت بخویش نیست که (او را بزرگ و صاحب ظرفیت بپندارند) سخنرانی او برای خود فروشی بر دیگری نیست اگر بر او ستم کنند بردبار باشد تا خداوند انتقام او را بازستاند نفس او از او در رنج و مردم از نفس او در راحتند نفس خویش را

صفات الشیعه / ترجمه (اعلمی)، ص: ۲۶

برای آماده کردن توشه آن سرا برنج افکند و مردم را از بد او راحت کند از کسی که دوری گزیند برای پرهیزگاری و پاکدامنی است و بهر که نزدیک شود برای دلسوزی و مهربانی است نه

دوری او برای گردنفرازی و نه نزدیکیش برای فریب است بلکه بخوبان پیش از خود اقتـدا میکند و او خود پیشوای پارسایان و نیکوکارانست.

در این هنگام همام نعره بزد و جان بداد امیر المؤمنین علیه السّلام فرمود بخدا سوگند من از همین بی تابی و بی توانی بر او می ترسیدم و دستور داد او را برای دفن آماده کنند و بر او نماز خواند و سپس فرمود پندهای رسا با اهلش چنین میکند گوینده ای عرض کرد یـا امیر المـؤمنین چرا ترا گزنـدی نرسـید فرمـود وای بر تو برای هر کسـی مرگی است که از او رد نمیشود و سـببی است که از آن نمی گذرد خاموش باش و پر نگو که شیطان بر زبان تو سخن می گوید.

حدیث ۳۶-

صفوان پسـر مهران گوید امام صادق علیه السّلام فرمود مؤمن کسی است که چون خشمگین شود خشمش او را از جاده راست بـدور نکنـد و چون راضـی شود خرسـندیش او را در باطـل فرو نمی برد و چون توانائی یابـد بیش از مال و حق خود را دسـت نمیزند.

صفات الشیعه / ترجمه (اعلمی)، ص: ۲۷

حدیث ۳۷-

علی پسر عبد العزیز گوید امام صادق علیه السّلام فرمود یا علی گریه اینان ترا گول نزند پارسائی و پرهیزگاری در دل است.

حدیث ۳۸-

عبد اللَّه پسر سنان گوید از امام صادق علیه السّلام شنیدم می فرمود: ای بندگان خدا شما را به پارسائی سفارش میکنم مردم را بر شانه های خود سوار نکنیـد که خوار خواهیـد شـد خداوند بزرگ در کتاب خود فرموده قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْناً «۱» سپس فرمود بیماران خود را پرسش کنید و جنازه های آنان را مشایعت نمائید و برای ایشان گواه باشید در پرستشگاه هایشان با آنان نیایش بـدرگاه خـدا کنیـد و حقوق آنهـا را بدهیـد سـپس فرمود چقـدر سـنگین و سـخت است بر گروهی که گمـان میکننـد بـدنبال پیشوایانی قـدم برمیدارنـد و فرمایش آنها را پذیرا هسـتند در حالی که چون آنها را دسـتور بنیکی و دوری از بدی می دهند از آنـان نمی پذیرنـد و اسـرار آنهـا را نزد دشـمنانشان فاش می کننـد و چون دشـمنان آنها نزد ما می آینـد و می گوینـد گروهی هستند که چنین و چنان می گویند و ما خواهیم گفت از آنان بیزاریم بیزاری ما از آنها واجب می شود.

---

(۱) با مردم گفتاری نیک بگوئید- سوره بقره آیه ۸۳.

صفات الشیعه / ترجمه (اعلمی)، ص: ۲۸

حدیث ۳۹-

عبد اللّه پسر زیاد گوید بر امام صادق علیه السّلام در منی درود فرستادیم و سپس عرض کردیم ای پسر پیغمبر ما گروهی گذارنده ایم و گفتگوهای این جا را در جایی بازگو نخواهیم کرد ما را وصیتی بفرما فرمود شما را بر پارسائی و پرهیزگاری و راستگوئی و ادای امانت و نیکی آمیزش با کسانی که با شما رفت و آمد دارند و درود بلند فرستادن و سیر کردن مردمان سفارش میکنم، در مساجدشان نماز کنید و بیمارانشان را احوالپرسی نمائید مردگان ایشان را مشایعت کنید و پدرم می فرمود پیروان ما خاندان

پیغمبر خوبان خویشان خود هستند اگر دانشمندی یا اذان گوئی یا پیشوائی و یا امانت داری و رازداری یافت شود از آنانست مردم را با ما مهربان کنید و ما را با ایشان دشمن ننمائید.

حدیث ۴۰-

حمران پسر اعین گوید امام صادق علیه السّلام فرمود امام سجاد علیه السّلام در خانه خود نشسته بود گروهی درب خانه را کوبیدند فرمود ای کنیز نگاه کن

صفات الشیعه / ترجمه (اعلمی)، ص: ۲۹

کوبنده درب کیست عرض کردند گروهی از پیروان شمایند با شتاب چنان از جای برخاست که نزدیک بود بر زمین افتد و چون درب را باز و بایشان نگاه کرد برگشت و فرمود دروغ می گویند نشانی تشیع آنان چیست و نشانه بندگی و اثر سجودشان کجا است، پیروان ما به زیادی بندگی و ژولیدگیشان شناخته میشوند (منظور آنکه بظاهر خود زیادی پای بند نبوده و توجه بیشترشان بعوالم معنوی و اخروی است) زیادی بندگی پروردگار بینی های آنان را زخم نموده و جبین و جاهای سجودشان پینه بسته از روزه های بسیار و ایستادن در پیشگاه پروردگار و دوام اذکار لاغر میان و لب خشگانند، بندگی یزدان چهره های آنان را درهم کشیده و بیداری شب جوانی آنها را دگرگون نموده و روزه بودن در روزهای گرم بدنهای آنها را گداخته هنگامی که مردم خاموشند آنان تسبیح گویند و چون مردم در خوابند آنان در نماز بسر می برند و زمانی که آفریدگان مسرورند آنان اندوهگینند، به بسیاری برکناری از دنیا شناخته می شوند سخنان آنها رحمت و سرگرمی آنها به بهشت است.

حدیث ۴۱-

عبد اللّه گوید امام صادق فرمود: کسی که بشش چیز باور کند مؤمن است: بیزاری و دوری از گردنکشان و ستمگران و اقرار بولایت (سلطنت معمری

صفات الشیعه / ترجمه (اعلمی)، ص: ۳۰

خاندان پیغمبر و یا محبت آنان) و باور به رجعت و حلال شمردن متعه و حرام شمردن مار ماهی و بر روی موزه مسح نکشیدن.

حدیث ۴۲-

مسعده پسر صدقه گوید بامام صادق علیه السّلام عرض شد چرا مؤمن بچیزی سخت و تند می شود فرمود برای آنکه رفعت و عزت کتاب خدا در دل او است و ایمان خالص در قلب او نهفته و او خداوند را می پرستد و فرمانبر او و مصدق پیغمبر او است عرض شد چرا مؤمن بچیزی بخل میورزد فرمود برای آنکه روزی را از راه حلال بدست می آورد و پیدا کردن حلال مشکل است او دوست ندارد از بدست آورده حلال خود دوری کند برای آنکه می داند پیدا کردن حلال کار بس دشواری است و اگر خشمگین شود نابجا نخواهد بود عرض شد نشانه های مؤمن چیست فرمود چهار چیز است خواب او مانند خواب غریق و

غذا خوردنش مانند آدم بیمار و گریه او مانند گریه شخص مادر مرده و برپا خاستن او مانند برخاستن مردم هراسانست که از جای خود می جهند عرض شد چرا مؤمن زناشوئی میکند فرمود برای نگهداشتن خود از نزدیکی با کسانی که بر او حلال نیستند و برای

صفات الشیعه / ترجمه (اعلمی)، ص: ۳۱

اینکه شهوات دیگر را آرزو ننماید و هنگامی که بحلال دست یافت به آن می سازد و خود را با آن از دیگران بی نیاز می کند سپس فرمود در مؤمن سه خصلت است که در

جز او گرد نخواهد آمد بخدا و به آنچه خدا دوست دارد و بآنچه خدا دشمن دارد دانا است و باز هم فرمودند زور مؤمن در دل او است آیا نمی بینید که او بدنی لاغر و پیکری ناتوان دارد چون شبها را بیدار و روزها را روزه دار است و اضافه فرمود: مؤمن در نگهداری دین خود از کوههای استوار پابرجاتر است برای آنکه از کوه کم کم با برخورد باد و باران سائیده و تراشیده می شود ولی کسی یارای آن ندارد از دین مؤمن چیزی بکاهد و این برای بخلی است که بدین خود دارد تا او را از دست ندهد.

حدیث ۴۳-

امام صادق علیه السّلام فرمود آیا شما را خبر ندهم که چرا مؤمن را مؤمن نامیدند برای ایمانی که مردم در دارائی و جان خود بآنان دارند آیا شما را خبر ندهم که مسلمان کیست مسلمان کسی است که مردمان از گزند دست و زبان او آسوده باشند آیا مهاجر را بشما معرفی نکنم مهاجر کسی است که از بدیها دوری کند و از آنچه خداوند روا ندانسته پرهیز نماید.

صفات الشیعه / ترجمه (اعلمی)، ص: ۳۲

حدیث ۴۴-

امام صادق علیه السّلام فرمود که پیغمبر خدا می فرمود کسی که کار بد کردن او را ناراحت کند و کار نیک او را خشنود بسازد مؤمن است.

حدیث ۴۵-

حباب واسطی گوید امام صادق علیه السّلام فرمود برای مؤمن چه اندازه زشت است خواهشی داشته باشد که در راه بجا آوردن آن خواهش خوار گردد.

حدیث ۴۶-

امام صادق علیه السّلام فرمود: پیسی مانند داغ راندگی از درگاه خدا است و در ما و فرزندان و پیروانمان پیدا نمیشود.

حدیث ۴۷-

حصین پسر عمر گوید امام صادق علیه السّلام فرمود: مؤمن از آهن سخت تر است آهن اگر گداخته شود رنگش برمی گردد ولی مؤمن اگر کشته شود و دوباره زنده گردد و سپس او را بکشند دل او از ایمان بر نمی گردد.

حدیث ۴۸-

مفضل گوید امام صادق علیه السّلام فرمود ایزد توانا مؤمنین را از یک ریشه آفرید نه کسی می تواند در جرگه آنان در آید و نه کسی از آنان می تواند از گروهشان خارج شود مثل آنان مثل سر در بدن و یا انگشتان در کف دستان است اگر

کسی را دشمن اینها یافتید بدورویئشان گواهی دهید.

حدیث ۴۹-

محمّد پسر سلیمان گوید از امام صادق علیه السّلام شنیدم می فرمود زمستان بهار مؤمن است چون شبهائی دراز دارد و باو نیرو می دهد که شب زنده دار باشد.

حدیث ۵۰-

پسر عمار گوید امام صادق علیه السّلام می فرمود: خداوند بزرگ مؤمن را از بلاهای سرای ناپایدار نگه نمی دارد لیکن او را از کوری در آن سرا نگه خواهد داشت.

حدیث ۵۱-

سعید پسر غزوان گوید امام صادق علیه السّلام فرمود مؤمن سخنی به نادرستی نمی گوید.

حدیث ۵۲-

صالح پسر هیثم گوید امام صادق علیه السّلام فرمود سه چیز است که چون در کسی یافت شد رفتار ایمانی او تمام است: کسی که بر ستم بردبار بوده و خشم

خود را فرو خورد و مزد آن را از خدای خود بخواهد و گذشت نماید، او از کسانیست که یزدان او را به بهشت جاویدان برد و میانجیگری او را در مانند دو ایل بزرگ ربیعه و مضر به پذیرد.

حدیث ۵۳-

زید گوید امام صادق علیه السّلام فرمود: مؤمن نیستید تا هنگامی که مورد اطمینان مردم نباشید و مصیبت را بمانند نعمت نبینید شکیبائی بر بلاء از عافیت زمان نعمت بهتر است.

حدیث ۵۴-

محمّد پسر احمد از مردی بازگو کرد که از امام صادق علیه السّلام صفات مؤمن را پرستش نمود فرمود مؤمن بدین صفات است: در دینداری توانا و با نرمی دوراندیش در ایمان بمرحله یقین، در جویائی دانش کوشا و در پیدا کردن راه راست شاداب و با نشاط است در استواری نیکوکار و با بردباری دانش را گرد آورده و در نرمی شکرگزار است و در راه خدا بخشنده و در

توانگری میانه رو و در درویشی با شکوه و در قدرت از دشمنان می گذرد، در پند دادن مردمان بندگی خدا جوید و با بستگی بدنیا پرهیزگاری را از دست ندهد در کوشش در راه خدا حریص و در گرفتاری کارهای دنیا بیاد خدا است در سختیها بردبار و در کشاکش روزگار و دشواریهایش

صفات الشیعه / ترجمه (اعلمی)، ص: ۳۵

شکیبا است در فراخی و نعمت شکرگزار است پشت سر کسی گپ نمی زند و گردنفرازی نمی کند از خویشاوندان نمی برد و ابله و تندخو نیست سستی او را نمی گیرد شکمش ویرا رسوا نمی کند و شهوت زنان او را اسیر نمی سازد و بر مردمان رشگ نمی برد در زندگانی و بخشش میانه رو است ستمدیدگان را پشت و پناه و بر بیچارگان دلسوز است نفس او از او در رنج و مردم از او در راحتند در دنیا چندان دل نمی بندد و از تهدیدهای مردم بناله در نیامده و نمی هراسد هنگامی که مردم همت می گمارند که بدو رو آورند هم

او اینست که او را از کـار خود بـاز خواهنـد داشت در بردباری او کمی نـدارد و رأیش سـستی نمی پـذیرد در دین خود سـهل انگار نیست کسـی که با او رأی زنـد رهنمائیش کنـد و کسـی که باو کمک نمایـد عوض خواهد داد از باطل و نادانی و هرزه گوئی بهراسد و این رفتار مرد مؤمن است.

حدیث ۵۵-

ابی العلاء گویـد امام صادق علیه السّلام فرمود: مؤمن کسـی است که همه از او حساب می برند و این برای آنست که در دین خدا توانا است و از چیزی بیم ندارد این نشانی مؤمنست.

صفات الشیعه / ترجمه (اعلمی)، ص: ۳۶

حدیث ۵۶-

صفوان جمال گوید شـنیدم امام صادق علیه السّلام می فرمود که هر چیزی برابر مؤمن فروتن و بیمناکست سپس فرمود اگر دل مؤمن خالصـا مخلصـا در گروی دوستی و بنـدگی خـدا باشـد همه چیز از او هراسـانست حتی شـیر و جـانوران درنـده و مرغان پرنده.

حدیث ۵۷-

عمار پسر موسـی گوید از امام صادق علیه السّلام پرسـیدند از اهل آسـمانها آیا ساکنین زمین را می بینند فرمود جز مؤمنان را نمی بینند برای آنکه مؤمن از نور است و مانند اختران می درخشد عرض شد پس ایشان مردم زمین را می بینند فرمود آن طور که باید و شاید نور او را نمی بینند (مقصود آنکه فرشتگان باندازه بینائی و توانائی خود درک نور مؤمنین را می نمایند و شاید در حـدیث افتادگی داشـته باشد) سـپس فرمود مؤمنین در روز رسـتاخیز پنج ساعت میانجیگری بین آفریدگار و آفریدگان می کنند. (و اگر بجمله الا اضافه کنیم معنی آنست که نمی بینند مگر نورش را)

صفات الشیعه / ترجمه (اعلمی)، ص: ۳۷

حدیث ۵۸-

زیاد قنـدی گویـد امام صادق علیه السّلام فرمود برای یاری خـدا برای مؤمن بس است همین که به بینـد دشـمن او بگنهکاری گرفتار و او را خداوند از گناه نگهداری فرموده است.

حدیث ۵۹-

حارثی گویـد امام صادق علیه السّلام فرمود: مردمی که در او بخل و رشک و هراس باشد ایمان نیاورده مؤمن ترسو و بخیل و آزمند نیست.

حدیث ۶۰-

محمّد پسر یحیی عطار گوید برخی از یاران از امام صادق علیه السّلام بازگو کرده اند که می فرمود باندازه ای که هفتاد مؤمن مؤمنی را تصدیق و اطمینان کنند و او را خوب به پندارند او به خود بیشتر اطمینان دارد.

حدیث ۶۱-

حارث پسر دلهاث آزاد کرده امام رضا علیه السّلام گوید شنیدم حضرت ابا الحسن علیه السّلام می فرمود مؤمن نیست کسی مگر اینکه سه رفتار در او باشد روشی

صفات الشیعه / ترجمه (اعلمی)، ص: ۳۸

از خدا و سنتی از پیغمبر خدا و آئینی از ولی خدا، اما روشی از خدا پوشاندن اسرار است خداوند در قرآن می فرماید عالِمُ الْغَیْبِ فَلا یُظْهِرُ عَلی غَیْبِهِ أَحَداً إِلَّا مَنِ ارْتَضی مِنْ رَسُولٍ «۱» و روشی از پیغمبر خدا مدارای با مردم بود و خداوند پیغمبر خود را با سازش و راه آمدن با مردم سفارش کرد و فرمود خُذِ الْعَفْوَ وَ أْمُرْ بِالْعُرْفِ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْجاهِلِینَ «۲» و اما آئین ولیّ خدا صبر در سختی ها و بلاها است و خدا می فرماید وَ الصَّابِرِینَ فِی الْبَأْساءِ وَ الضَّرَّاءِ «۳»

حدیث ۶۲-

از امام کاظم علیه السّلام پرسش شد از دو فرشته که بر انسان گماشته شده آیا هنگامی که بنده اراده گناه یا صواب کند میدانند فرمود آیا بوی بد و بوی خوب در پیش تو یکسانست عرض شد نه فرمود هنگامی که بنده اراده کار خیر می کند از او بوی خوش بلند می شود و فرشته راست بدیگری می گوید دست نگهدار که

---

(۱) دانای نهان ها پس آگاه نگرداند بر نهان خود کسی را جز آنکه را به پسندد سوره جن آیه ۲۶.

(۲) گذشت را پیشه گیر و بخوبی امر کن و از نادانان روی برگردان سوره اعراف آیه ۱۹۹

(۳) بردباران در پریشانی و رنجوری سوره بقره آیه ۱۷۷.

صفات الشیعه / ترجمه (اعلمی)، ص: ۳۹

این بنده بکار نیک همت گماشته و هنگامی که آن کار را انجام داد زبان او کلک (برای نوشتن) و

آب دهانش مرکب خواهـد شد و برایش ثبت خواهد نمود و وقتی که بکار زشت همت بگمارد بوی بد از او برخواهد خاسـت و فرشـته چپ بـدیگری خواهـد گفت بایست که این بنـده بکار بـد اراده کرده و چون بجا بیاورد زبان او کلک و آب دهانش مرکب خواهد شد و گناه را یادداشت خواهد کرد.

حدیث ۶۳–

محمّد پسـر حنفیه گوید پس از جنگ جمل چون امیر المؤمنین علیه السّـلام به بصـره رفت احنف پسر قیس طعامی تهیه نمود و بسوی امیر المؤمنین علیه السّـلام و یـارانش پیام فرسـتاد و دعوت نمود حضـرت پـذیرفت و باحنف فرمود یاران مرا پیش بخوان گروهی خـاشع وارد شدنـد کهماننـد مشـکهای کهنه پوسـتشان خشـک شـده و پژمرده شـده بودنـد احنـف عرض کرد یـا امیر المؤمنین چرا اینها بـدین گونه انـد از کمبود مواد غذائی یا از ترس جنگ چنین حالی بآنان دست داده است امیر المؤمنین علیه السّلام فرمودند یا احنف خداوند گروهی را که از ترس غافلگیر شدن و فرا رسیدن روز رستاخیز

صفات الشیعه / ترجمه (اعلمی)، ص: ۴۰

از دنیـا کناره گیری کرده و سـرگرم بنـدگی پروردگارشان شـده انـد دوست دارد آنها بعین الیقین در این دنیا قیامت را دیـدار کرده انـد پیش از آنکه فرا رسـد و جـان خود را بکوشـش واداشـتند و چون بامـداد روز رسـتاخیز را بیاد می آورنـد پیش خود مجسم می کنند آفریدگانی را که از آتش خارج می شوند و همگی بنزد خدای خود گرد آمده و کارنامه آنان در آشکارا باز می شود و گناهـان آنهـا رسوائی ببـار می آورد نفس هایشان از زیادی رنـج کشـیدنماننـد سـیلاب روان می شونـد و یا اینکه دلهای آنان با بالهای هراس بپرواز در آمده

و خرد از سر آنها می پرد هنگامی که از ترس تنها بودن با خدا بجوش آمده و مانند ناله کردن گمگشته نالان در تاریکی های سخت نالانند و از ترس آنچه را که در پیش دارند و بر آن آگاهی یافته اند داغدارند دارای بدنهائی پژمرده و دلهائی اندوهگین و چهره هائی دگرگون و لبهائی خشکیده و شکم های خالی و میانی لاغر دارند، آنان را می بینی مدهوش و مست از سرگذشت شب (چیزهائی که از احوال روز قیامت بعین الیقین در شب دیده اند چنان آنها را مدهوش نموده که اثر آن در روز هم بر آنها باقیست) مانند مشکهای کهنه پوست آنها از ترس پروردگار چروکیده و کارهای خود را برای خدا خالص کرده اند در پنهان و آشکار دلهای آنها از خروش تهی نمیشود بلکه مانند کسانی هستند که

زخمدارند و اگر آنها را در شبهایشان به بینی آن زمانی که دیدگان مردمان بخواب اندر است و صداهایشان خاموش و بی جوش و خروش و از جنب و جوش افتاده اند و مانند مرغان در آشیانه آرمیده اند آنان از ترس روز رستاخیز و شکنجه خدا خویش را از خواب دور کرده و بهمان گونه که پروردگار فرمود أَ فَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرى أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنا بَياتاً وَ هُمْ نائِمُونَ «۱» بیدار می مانند و نالانند و برای ادای نماز و عرض نیاز بدرگاه پروردگار چاره ساز برپا می ایستند گاه گریان و زمانی تسبیح گویان اند در جایگاه نماز خود با صدائی اندوهگین گریه می کنند شبهای تار را انتخاب می کنند که در آن ناله سر دهند و ای احنف اگر ایشان را در شبهایشان به بینی که بر پای ایستاده اند و پشت های

آنان خمیده کتاب خدا را در نمازهای خود می خوانند و صدایشان با ناله و خروش همراه است چون خروش برآورند مانند کسانی هستند که آتش دوزخ یا گلویشان را در خود فرو برده و هنگامی که شیون سر می دهند گمان می کنند زنجیرها در گردنهای آنها بصدا در آمده و اگر آنان را در روزشان به بینی گروهی را خواهی دید که با فروتنی بر روی زمین راه میروند و با مردمان به نیکوئی سخن

---

(۱) آیا ایمن شدند مردمان شهرها که خشم ما شبانه در حالی که بخواب اندرند آنان را فرا گیرد- سوره اعراف آیه ۹۷

می گویند وَ إِذا خاطَبَهُمُ الْجاهِلُونَ قالُوا سَلاماً وَ إِذا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا کِراماً «۱» خود را از رفتن بجاهائی که بر آنها تهمت خواهند زد باز میدارند و زبانشان از گفتگوی در عیوب مردم لال و گوش آنها از شنیدن هرزه گوئیهای دیگر کر شده چشمهای خود را با سرمه پاکدامنی سرمه کشیده و از حرام خدا بازداشته اند و سرای بازپسین را که هر کس بآن داخل شود از شک و اندوه بدور است قصد و نیت نموده اند و شاید ای احنف اگر چشم خود را بخوبی بر چهره یکی از آنها بدوزی در عین تازگی و نورانیت دردی آشکارا در ته آن خواهی دید و خانه ای که ترا سرگرم ساخته با صورتگری سقفهایش و پرده هائی که بر درگاه آن آویخته طوفان و عوامل مخرّب بر آن موکل اند و نابودش می نمایند و این خانه باقی و جاوید تو نیست و برای تو چشم دارم خانه ای را که خدای تو از لؤلؤ سفید ساخته و نهرهای فراوان

در آن جاری کرده و درختان زیاد در آن نشانـده و میوه های رسـیده آن سایه بر زمین انـداخته و حوریان باکره را در آن خانه بخـدمت گمـارده و سـپس دوسـتان و بنـدگان خود را در آن جـای داده وای احنف اگر آنهـا را به بینی در حالی که بنعمت و فضل بیشتری

---

(۱) هر گاه نادانان با آنان سـخن گویند آنها سلام دهند و از در سلامت در آیند- فرقان ۶۳ و چون بکارهای لغو برخورد کنند با بزرگواری از آن بگذرند- سوره فرقان آیه ۷۲

صفات الشیعه / ترجمه (اعلمی)، ص: ۴۳

از جانب خـدای خود بهره منـد شده اند و اسـبان جنیبت آنها بصدائی ترنم کنند که گوشـها نوائی بآن خوبی نشـنیده و ابرهائی آنها را سایه افکند و بر آنها زعفران و مشک فرو ریزد، اسبان بین باغهای این بهشت شیهه کشند و ناقه های آنها بین توده های زعفران برای خود راه بـاز کننـد و بر روی لؤلؤ و مرجـان بـدون نـاراحتی و بـا وقار و آرامش پایکوبی نموده و آنان را کوفته و پایمال گردانند و خازنان بهشت با میوه و ریحان آنان را پیشواز کنند و نسـیمی ملایم از جانب عرش پروردگار بر آنها می وزد و یاسـمین و بابونه بر آنها می افشاند سـپس بسوی درب آن میروند و دربان خلد برین بروی آنها درب را میگشاید و در درگاه بهشت نخست در برابر خداونـد بزرگ بخاک می افتنـد، در چنین حالی یزدان بآنان می گوید سـرهای خویش را برافرازید که من رنج بندگی را از شـما برداشـتم و در بهشت مینوسـرشت خویش شما را جای دادم و ای احنف اگر پس پشت بگذاری و از دست بدهی آنچه را

که در اول گفتار خود گفتم با پیراهنی از قطران و در میان روغن سیاه بد بو و لزج و آب گرم جوشان سرگردان خواهی بود و شراب جوش آمده خواهی نوشید و چقدر آن روز در آتش گوشتهای بریان شده و چهره های شکسته شده و زشت صورتان

بینی مالیده خواهی دید طوقهای آتشین دست آنها را خورده و گردن بندی از آتش به گردنهایشان چسبیده و ای احنف اگر به بینی چگونه در درّه های دوزخ سرازیر و یا از بلندی های آن بالا میروند و لباسهائی از قطران پوشیده اند و با بدکاران و اهریمنان همنشین گردیده اند و اگر کمک خواهند آتش آنها را فرا خواهد گرفت و مارها و کژدم ها فراوان تر خواهد شد و چنان که به بینی سروشی را که صدا می دهد ای اهل بهشت و نعمتهایش و زیورهایش جاوید باشید که مرگی در پی نیست و یاران دوزخ امیدشان بریده می شود و دربهای آرزو را بر روی خود بسته می بینند و اسباب رستگاری را مفقود می یابند و در آن روز چه اندازه از پیران که داد میزنند وای بر پیری ما و چقدر از جوانان که فریاد می کنند وای بر برنائی ما و چه بسیار زنانی که ندا می کنند وای بر رسوائی ما و چه بسا غرقه گناهی که بین طبقات دوزخ زندانی است وای بر تو که این گناه بعد از لباسهای کتان دنیا و دیوارهای خنک شده با آب سرد و طعامهای رنگارنگ چه لباسی بتو می پوشانند لباسی که یک سر مو ترا راحت نمی گذارد طعام اهل دوزخ در دنیا بهترین غذاها بود و تخم ماکیان میخوردند دیگر چشمی

نمانده که بآن بمعشوق خویش بنگرد مگر آنکه کور گشته

صفات الشیعه / ترجمه (اعلمی)، ص: ۴۵

و از جای خود بدر آمده این ها چیزهائیست که خداوند برای گنهکاران آماده کرده و آنها چیزهائیست که پروردگار توانا برای پارسایان فراهم فرموده است.

حدیث ۶۴-

محمّد پسر مسلم گوید امام باقر علیه السّلام فرمود از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله پرسش شد بهترین بندگان خدا کیست؟ فرمود کسانی اند که چون نیکی کنند مسرور بگردند و هنگامی که بدی کنند طلب آمرزش کنند و بهنگام بخشش سپاس پروردگار را بجای آورند و اگر ببلاها گرفتار شوند صبر کنند و زمان خشمگینی بگذرند.

حدیث ۶۵-

علی پسر محمّد پسر یسار گوید امام عسگری فرمود پیغمبر خدا روزی به برخی از یارانش می فرمود ای بنده خدا برای خدا دوست داشته باش و بخاطر خدا دشمن داشته باش و دوستی و دشمنیت باید برای خداوند باشد و بس تو دوستی او را جز باین راه بدست نمی آوری و مرد مزه ایمان را نمی چشد گو اینکه همیشه در نماز

صفات الشیعه / ترجمه (اعلمی)، ص: ۴۶

و روزه دار باشد مگر اینکه چنین که گفتم باشد امروزه دوستی شما مردم با هم بیشتر برای دنیا است برای دنیا با هم دوست یا دشمن می شوید و این شما را از خدای شما بی نیاز نمی کند باو عرض شد چگونه من بدانم برای خدا دوستی و دشمنی می کنم و چه کسی دوست خدا است تا با او دوستی کنم و چه کس دشمن خدا است تا باوی دشمنی نمایم پیغمبر خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بعلی علیه السّلام اشاره کرد و فرمود آیا این مرد را می بینی عرض کرد بلی فرمود دوست این مرد دوست خدا است او را دوست داشته باش و دشمن او دشمن خداوند است او را دشمن داشته باش و دوست این شخص را اگر چه کشنده پدر و پسرت باشد دوست داشته باش

و دشمن این مرد را اگر چه پدر و پسرت باشد دشمن داشته باش.

حدیث ۶۶-

ابی بصیر گوید امام صادق (ع) بگفته ای از پدرانش فرمود که امیر المؤمنین علیه السّلام می فرمود برای اهل دین نشانه هائی است که بآن شناخته می شود، راستگو و اداکننده امانات است به پیمان خود وفا می کند صله رحم می کند و دلسوز بر زیر دستانست با زنان زیاد نمی آمیزد بخشنده و خوش اخلاق و صاحب مشربی

صفات الشیعه / ترجمه (اعلمی)، ص: ۴۷

وسیع است پیرو دانش و آن چیزهائیست که او را بخدا نزدیک می کند خوشا بحال آنها و سرانجام خوبشان، و طوبی درختی است در بهشت ریشه و تنه آن در خانه پیغمبر است و هیچ مؤمنی نیست مگر اینکه در خانه او شاخه از آن درخت می باشد بر قلبش شهوتی خطور نمی کند مگر اینکه شاخه طوبی برایش آماده می کند و اگر سواری با شتاب در سایه او صد سال بتازد از زیر آن خارج نمی تواند شد و اگر از پائین او کلاغی بپرد بر بالای آن نمیرسد مگر اینکه شکسته بال فرو خواهد افتاد هان در این امر رغبت کنید مؤمن نفسش از او در شکنجه و مردم از او در راحتند هنگامی که شب فرا میرسد جبین خویش را بر خاک می ساید و با بهترین اعضای خود خداوند را نماز می کند و با کسی که او را آفریده راز و نیاز می نماید و از او میخواهد که گردن او را از آتش دوزخ رهائی دهد، هان ای مردم چنین که گفتم باشید.

حدیث ۶۷-

عبد اللّه پسر مسکان گوید امام صادق علیه السّلام می فرمود خداوند بزرگ پیغمبر خود را به بهترین خوها مخصوص کرد نفس های خود را آزمایش کنید اگر در شما از آن خوها چیزی یافت

می شود خدا را سپاس گوئید و بآن رفتار زیاد رو آورید و آن روش های نیک را شمرد ده عدد بودند یقین، قناعت، صبر،

شکر، حلم، حسن خلق، سخاوت، غیرت، شجاعت، و مروت.

حدیث ۶۸-

علی پسر احمد پسر عمران گوید عبد العظیم الحسنی فرمود بر حضرت امام علی النقی علیه السّلام وارد شدم چون مرا دید بمن فرمود ای ابا القاسم خوش آمدی تو حقا دوست مائی عرض کرد ای پسر پیغمبر من اراده کرده ام دین خود را بر شما عرضه بدارم اگر درست بود او را صحه بگذاری تا اینکه خدا را دیدار کنم فرمود یا ابا القاسم بفرما عرض کرد من می گویم خداوند یکی است که مانند ندارد از تعطیل و تشبیه بدور است (نه وجود موهوم بدون صفات و نه ذات و صفاتش شبیه چیزهای دیگر است)، جسم و صورت و عرض و جوهر نیست بلکه او آفریننده اجسام است و صورت آفرین صورتها است و آفریدگار اعراض و جواهر و پرورنده هر چیز است و صاحب او و پدید آورنده او و حادث کننده او است و او حکیمی است که کار زشت نمی کند و کار واجبی را فرو گذار نمی نماید و اینکه محمّد صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم بنده او و پیغمبر و خاتم پیغمبران او است و تا روز جزا پیغمبری دیگری پس از او نخواهد آمد و دین

او آخرین دینها است و باز می گویم پیشوای خلق و جانشین و صاحب امر او پس از او امیر المؤمنین علیه السّلام علی بن ابی طالب است و پس از او

حسن و سپس حسین و بعدا علی بن الحسین و بعد از او محمّد بن علی و دنبال وی جعفر بن محمّد و عقبش موسی بن جعفر و جانشین او علی بن موسی الرضا و خلیفه او محمّد بن علی و وارث او شمائید ای آقای من امام علیه السّلام فرمود پس از من هم پسرم حسن خلیفه است و مردم با جانشین پس از او چه می کنند پس عرض کرد ای آقای من مگر وضع او چگونه است فرمود شخص او دیده نمیشود و حلال نیست بنام یاد کردن او تا اینکه خروج کند و ظاهر شود و زمین را از داد پر کند همان طور که از ستم و بیدادگری پر شده باشد عرض کرد اقرار کردم و باز می گویم دوستان ایشان دوستان خدا و دشمنان ایشان دشمنان خداینـد فرمـانبری آنـان فرمانبری از خـدا و نافرمانی آنها سرکشـی بـدرگاه پروردگار است و گواهی می دهم عقیـده بمعراج، سؤال قبر، بهشت و دوزخ، پل صـراط، و ترازو حق است و ساعت روز رستاخیز بدون شک خواهد آمد و خداوند هر که را که در گور باشـد برمی انگیزد و بـاز عرض می کنم واجبات بعـد از ولایت نماز است و زکاه و روزه و حـج خانه خـدا و جهاد فی سبیل اللّٰه و امر بمعروف و نهی

صفات الشیعه / ترجمه (اعلمی)، ص: ۵۰

از منکر و حقوق والـدین است عرض کرد این مـذهب و دین و عقیده و آئین من است که شـما را از آن آگاه ساختم حضـرت امام علی النقی علیه السّلام فرمود یا ابا القاسم بخدا سوگند این دین خدا است که برای بندگان خود

پسندیده بر آن با پیمانی استوار در دو سرا ثابت قدم باش.

حدیث ۶۹-

محمّد پسر عماره بگفته ای از پدرش گوید امام صادق علیه السّلام فرمود پیرو ما چهار چیز را منکر نمیشود معراج، پرسش در گور، اینکه بهشت و دوزخ آفریده شده اند و شفاعت.

حدیث ۷۰-

علی پسر حسن پسر علی پور فضال بگفته ای از پدرش گفت امام رضا علیه السّلام فرمود کسی که معراج پیغمبر را دروغ به پندارد به پیغمبر خدا دروغ بسته.

حدیث ۷۱-

محمّد پسر عبدوس عطار نیشابوری گوید که علی پسر محمّد پسر قتیبه از فضل پسر شاذان نقل کرد که امام علی بن موسی الرضا علیه السّلام می فرمود کسی که اقرار کند خدا یکیست و مانندی ندارد و از صفاتی که شایسته او نیست او را پاک

صفات الشیعه / ترجمه (اعلمی)، ص: ۵۱

بداند (صفات سلبیه) و اقرار کند خداوند بزرگ دارای نیرو و حول و اراده و مشیت است و جهان خلق و امر دارد و صاحب قضا و قدر است و اینکه کارهای بندگان خدا مخلوق خدا است بخلق تقدیری نه تکوینی (یعنی بشر در عالم خلقت دارای اختیار است و اعمال بد و خوب او از او و بخود او بر خواهد گشت فَمَنْ یَعْمَلْ مِثْقالَ ذَرَّةٍ خَیْراً یَرَهُ وَ مَنْ یَعْمَلْ مِثْقالَ ذَرَّةٍ شَرًّا یَرَهُ و گواهی دهد که محمّد پیغمبر خدا است و امیر المؤمنین علی علیه السّلام و ائمه بعد از او حجت های خدا هستند و دوستان آنها را دوست داشته باشد و از گناهان بزرگ دوری کند و بمسئله رجعت اقرار نماید و دو متعه حج و زنان را به پذیرد و بمعراج و پرسش در گور و حوض کوثر و شفاعت اقرار داشته باشد و قبول کند که بهشت و دوزخ اکنون موجودند و پل صراط و ترازو و برانگیختن از گورها و دوباره زنده گشتن و حساب و جزا حق است این شخص مؤمن حقیقی است و از پیروان

خاندان پیغمبر است.

و صلی اللّٰه علی محمّد و آله الطیبین الطاهرین و للّٰه الحمد ترجمه کتاب (صفات الشیعه) تمام شد

ابن بابویه، محمد بن علی - نا مشخص ولی معروف به اعلمی، صفات الشیعه / ترجمه (مترجم نا معلوم ولی معروف به اعلمی)، ۱جلد، انتشارات أعلمی - تهران، چاپ: اول، ۱۳۶۲ش.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹